

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درفروردین ماه سال ۱۳۶۵ پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کارکنان دموکراتیک و آزادیخواه و مبارزان سیاسی تشکیل گردید و در محیط همفکری و برابری خلق مسایل و وظایف سیاسی را که در دسترس داشت پیروزمندانانه با انجام مسامحه و بیگانه‌سازی موفقیت آمیز پلنوم وسیع کمیته مرکزی و تصمیمات آن در خصوص فداپیان خلق و همه پیروان را ستین سوسیا لیسم علمی درپیکار علیه رژیم پلید خمینی و امپریالیسم جهانی خوار خواهد بود. پلنوم با استماع گزارش هیات سیاسی که توسط رفیق فرخ نگهدار ایراد کرد دیدگاه خود را آغاز کرد. وظایف اصلی در دستور کار پلنوم عبارت بود از:

- الف - بررسی گزارش هیات سیاسی و تصویب قرار استشاری آن.
- ب - بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴.
- پلنوم اسناد را به شده در زمینه بررسی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ را

ب: بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴.

بحران اقتصادی و فقر و فلاکت زحمتکشان

و رشکستگی و بحران اقتصادی جمهوری اسلامی هر روز شدید و شدیدتر می شود. این بحران که ریشه اش نظام سرمایه داری و وابستگی اقتصاد کشور است، برای سرمایه ستی ضد خلقی رژیم خمینی و خصوصاً ادامه جنگ ویرانگر چنان اوج گرفته است که امروزه صدماتی کشور در معرض رشکستگی و تعطیلی قرار گرفته، میلیونها کارگر و کارمند دیگر در معرض اخراج قرار دارند و میلیونها موهبت ما به تن شب محتاج شده اند.

بهباد اندوبی و زیر صنایع سنگین رژیم در سخنان خود افشاگرانه اش چندی پیش به درم اندکی و عجز رژیم در مقابل با بحران اعتراف کرده و گفت: «این بحران است که مدت ۳ سال با آن مبارزه کردیم. اما دیگر تثبیت شده در سطح جامعه با شد و زورمان هم نمی رسد که اوضاع و احوال و شرایط موجود را تغییر دهیم.» (کعبان ۷ - بهمن ۶۴).

فلاکت مالی رژیم از حلقه های بسیار مهم است. بحران است. خزانه دولت خالی است و رژیم برای اجرای برنامه های پیش فادریه تا مین بودجه و منابع ارزی لازم نیست. طی سال گذشته جمهوری اسلامی تنها به ۷۵٪ از درآمد های پیش بینی شده در بودجه دست یافت. درآمد های نفتی نیز که بین ۹۰ تا ۹۵ درصد از دولت را تشکیل می دهد به سرعت کاهش می یابد. بنا به گزارش سالانه بانک مرکزی و اعتراف و زیر برنامه و بودجه مقدار واقعی درآمد دولت از فروش نفت طی سالهای ۶۲ تا ۶۴ به ترتیب ۹/۴، ۳۰/۲ و ۴۶ درصد بودجه مأمور گسترش یافته است. امسال چشم انداز از این هم تیره تر است. کاهش

مورد بررسی قرار داد و پس از اصلاحات لازم به تصویب رساند. پلنوم با تصویب یک رشته تها های مهم در زمینه تحلیل اوضاع کشور و ارزیابی از سیاست و خط مشی سازمان در هر مقطع، در باره یکی از مهمترین دوره های فعالیت و حیات انقلابی سازمان (سالهای ۵۷ تا ۶۱) قضاوت نمود و قرار استشاری آنها را صادر کرد.

پلنوم در این قضاوت خلقت خود، فداپیان خلق را به تسخیر کننده، به تجهیز هر چه بیشتر خود و به مبارزه با رژیم - لنیسیسم و جستجوی راه های موثر تر در تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فرا خواند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان سپس را مخاطب وحدت دانشجویی و کارگری ایران را مورد بررسی قرار داد. پلنوم برای مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، بویژه در وضعیت فعلی جنبش دموکراتیک و فدا میزبان لیستی ایران اهمیت فوق العاده قابل شذو با محوریت فداپیان را که مسخ و وظایف سازمان در این عرصه را تصریح کرد.

نظر به اهمیت تصریح مواضع سازمان در زمینه تحلیل مرحله انقلاب ایران و استراتژی و تاکتیک ما در این مرحله از مبارزه، پلنوم وسیع در این مورد بطور جدا گانه قطعنامه ای صادر کرد.

پلنوم در این بخش، وظایف سازمان در مبارزه با خطر ملحد و دموکراسی و برای سوسیا لیسم را دقت بخشید و با وضوح تازه وظایف سازمان را در راه تامین اتحاد همه نیروهای دموکراتیک و فدا میزبان لیستی را برای سرنگونی رژیم تعیین کرد.

در طول جلسات پلنوم هر یک از اعضای کمیته مرکزی و مدعوین وقت معینی برای سخنرانی داشتند و از این طریق در زمینه های مختلف پلنوم وسیع را در جهت انجام وظایف خود هیاری دادند. پلنوم در فضای آیدئولوژیک و سیاسی بسیار فعال و مشارکت

بی سابقه قیمت های نفت از یک سو و ادامه جنگ و حملات رژیم صدام به هرمینال نفتی خلیج فارس - بزرگترین ترینال نفتی ایران - که رژیم خمینی را در صورت نفت با ناتوانی های جدی مواجه کرده است، بحران ارزی رژیم را وارد مرحله کیفی تازه ای ساخته است. رژیم خمینی برای راهیستی از این مهلکه به حراج بی سابقه نفت دست زده است. ماه گذشته جمهوری اسلامی با دست کشیدن از سیاست بقیه در صفحه ۵

به یان فدایی قهرمان قربانعلی مؤذنی پور

موشرهمه شرکت کنندگان برگزار گردید. در پان پان پلنوم، انتخابات برای برگمباری اعضا و مشاورین تازه کمیته مرکزی و به دنبال آن انتخابات برای گزینش اعضای هیات سیاسی و هیات دبیران و دبیران اول کمیته مرکزی و مسئول کمیسیون کنترل مرکزی صورت گرفت. پلنوم مجدداً رفیق فرخ نگهدار را به عنوان دبیران اول کمیته مرکزی برگزید.

پلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار شد که رژیم ترور و اختناق خمینی بیگانه می کند. برگزاران این پلنوم وسیع مشت محکمی بود بر دهان یا وه گویان رژیم که مدعی غلبه بر جنبش کمونیستی و کارگری مین ما هستند. پلنوم پیوند میان دستگا رهبری و تشکیلات را مستحکم تر کرد. پلنوم نیروی فداپیان خلق را در مبارزه علیه رژیم خمینی تقویت کرد. پلنوم بی گمان به نقطه عطف در حیات انقلابی سازمان ما است. امروز فداپیان خلق ایران در هر کجا که باشند نیرومند تر از پیش و با ایمانی والا تر نسبت به سازمان را اهداف و آرمان های انقلابی خویش، با همه هستی خود در راه تحقق تصمیمات و اما ج های بی که پلنوم فرا روی سازمان قرار داده است، تا به آخر خواهند رسید.

با ایمان به پیروزی راهمان
دبیرخانه
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

اسناد مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شماره ۲۸

تلاشهای رژیم خمینی و محافل امپریالیستی و راستگرایی فزاینده علیه مهاجرتین را محکوم می کنیم

اخیراً (۲۱ اردیبهشت ماه) سازمان مهاجرتین خلق ایران طی اطلاعیه ای که در نشریه مهاجرت انتشار یافت، اعلام کرده است که این نشریه تا اطلاع ثانوی منتشر نمی شود. اطلاعیه دلایل این کار را "تشنه های دشمن ضد بشری و دیگر محافل ارتجاعی و امپریالیستی و تحریکات تروریستی دوما گذشته" پیرامون مساله اقامت دستگا رهبری سازمان مهاجرتین در حومه های روستا اعلام کرده است. ما بیرویدادها نیز نشان می دهد که امکان حفظ سطح کنونی فعالیت دستگا رهبری سازمان مهاجرتین در پاریس با دشواری های جدی روبرو شده و بقیه در صفحه ۲

بافرا رسیدن خرداد ماه ۲۰ سال از شهادت قهرمانانه رفیق قربانعلی مؤذنی پور، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران می گذرد. با شهادت او، سازمان ما یک انقلابی پر شور و بیگانه انسان بزرگ را از دست داد.

رفیق مؤذنی پور سمبل برجسته ای از یک فدایی خلق بود، از لحظه ای که خود را شناخت، تا مسی وجودش را در خدمت جنبش انقلابی گذاشت، هنوز خیلی جوان بود که به مفروضات زمان پیوست. طی ضربه های وارده به سازمان در سال ۵۴ دستگیر شد و با استواری به مصاف دشمن رفت. شکنجه تاسخند مرگ، یک سال زندگی در سلول انفرادی و محکومیت به زندان ابد را سرفرازانه تحمل کرد و دشمنان را با مقاومت دلیرانه، دفاع از آرمانهای پیش در پیدا نگاه نظامی و زندگانی رزم جویانه در زندان شاه خوار کرد. اراده استواری را که در جبهه انسان این سالهای پر فراز و نشواری زندگیش آبدیده کرد، تکه تکه گاه مظمئن فعالیت های پیش در پس از انقلاب بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- همه چیز برای انسان زحمتکش - در صفحه ۶
- به مناسبت برگزاری نکره ۲۷ ح.ا.ش - در صفحه ۶
- برگزاری سیزدهمین کنگره حزب کمونیست بلژیک - در صفحه ۶
- آرندگاه شکنجه برای زنان آزاده - در صفحه ۸
- امپریالیسم آمریکا، جنگ افروزی و تجاوز - در صفحه ۳
- یازدهم فاجعه های جنگ - در صفحه ۲
- انتخابات فرمایشی "شورا" و وظایف کارگران - در صفحه ۸
- آفریقای جنوبی: ماجراجوییهای نومیادانه - در صفحه ۸

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

جنبش دهقانی و وظایف ما

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

بازهم فاجعه‌های جنگ

درجبهه‌های جنگ نبردهای سنگین و فاجعه آمیز به قیمت کشتار هزاران تن از مردم دوشواریا و عراق ادامه دارد. ارتش‌های با رده‌های نظامی ازجمله دست به پیشروی زده و اخیراً شهرمهران را اشغال کرده است. حمله هوایی جنا پیکارانه عراق به بگ قطار مسافربری موجب کشتار گروهی از مردم بی گناه میهن ما گردید. پالایشگاه تهران بمباران شد و خطر گسترش حملات هوایی عراق به شهرها بالاگرفته است. جمهوری اسلامی که درتهاجمت اخیر خود برای تصرف بصره با شکست مواجه شده است، تلاشها و تحریکات دیوانه‌وار برای بسیج نیرو و تدارک حمله مجدد بگرمی گیرد.

ادامه جنگ ارتجاعی، مورد بهره‌برداری همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع منطقه است. امپریالیسم آمریکا با استفاده از ما جرای جویبهای جنا پیکارانه رژیم خمینی، به گسترش حضور نظامی و تشدید تلاشهای مداخله جویانه خود در منطقه مشغول است. دولت آمریکا فریبکارانه اعلام کرده است که اجازه نخواهد داد "گسترش آزادی در خلیج فارس به خطر نیفتد. ناوهای آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی به این بهانه در نزدیکی مرزهای آبی جنوب کشور ما مستقر شده اند. بر این نخستین بار در ناوهای آمریکایی و فرانسوی راه را بر ناوهای جنگی خمینی بستند و مانع بازرسی یک کشتی فرانسوی توسط نیروهای جمهوری اسلامی شدند. دولت ریگان با استفاده از تشنجیات اخیر تلاشهای دا منهداری را در جهت لغو تصمیم کنگره آمریکا مبنی بر عدم فروش سلاح به عربستان سعودی براه انداخته است. و قصد دارد با توسل به خطر گسترش جنگ "میلیونها دلار سلاح در اختیار عربستان سعودی قرار دهد.

حضور گسترده و مداخله جویانه آمریکا در خلیج فارس نگرانی خلقهای منطقه و نیروهای صلح دوست سر راه جهان را برانگیخته است. اما رژیم خمینی هر تلاش صلح جویانه‌ای را بدون نتیجه می‌گذارد. روزنامه حکومتی رساله‌ای در مقاله‌ای تحت عنوان "صلح طلبان و نغمه‌های شوم صلح" افشاش کرده که تنها از آغاز سال

۶۴ تا تیرماه سال گذشته، یعنی کمتر از ۱۵ سال فریب ۱۰۰۰ تلاش بین المللی برای خاتمه جنگ صورت گرفته است (رسالت اول بهمن ۶۴). اما رژیم همه این تلاشها را رد کرده است و همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد.

همزمان با آغاز سال نو، فریادهای جنگ طلبانه رژیم با زهم تشدید شد. همه مسئولان حکومتی برادامه جنگ و خونریزی در سال جدید تاکید کردند. خمینی سرمدار جنا پیکاران با رده‌های فوج و ادکده: "هر کسی می‌تواند جبهه با بدبوی و دود هر کسی نمی‌تواند در پشت جبهه کمک کند". نخست وزیر رژیم اعلام کرد: "جنگ برای دولت در اولویت کامل قرار دارد و دولت همه امکانات خود را برای پیشبرد اهداف نظامی جنگ بسیج کرده است. رژیم خمینی برای جلوگیری از انفجار رخم مردم و ترغیب آنان به ادامه جنگ هر روز و هر ساعت وعده پیروزی می‌دهد. همه مسئولان حکومتی در پیامهای خود در آغاز سال نو سال ۶۵ را "سال پیروزی" اعلام کردند. مردم می‌پرسند: کدام پیروزی؟ ۵/۵ سال است که سران جنا پیکار در جمهوری اسلامی به مردم وعده پیروزی درآینده نزدیک را می‌دهند. اما این "آینده نزدیک" هرگز فرارسیده و نخواهد رسید. رژیم بحران زده خمینی قاربه پیروزی نظامی در جنگ نیست. توده‌های مردم نیز در پیروزی رژیم و اهداف توسعه طلبانه آن هیچ تفسیری ندارند. آنچه که رژیم "سال پیروزی" اعلام کرده، نتیجه‌اش تنها خونریزی و کشتار و فوریاتی و فقر و گرسنگی بیشتر برای مردم است.

توان رژیم برای ادامه جنگ هر روز کاهش می‌یابد حکومتگران در بسیج نیروها دشواریهای بزرگی روبرو هستند. رژیم برای حفظ روحیه سربازان خسته از جنگ و جلوگیری از گسترش اعتراضات، به روشهای گوناگون می‌کوشد تا آنها را سرگرم کند. دسته دسته زنانی را که شوهرانشان کشته شده اند به جبهه‌ها می‌فرستند. درجبهه‌ها کارهای چاپی "زدواج موقت" را به فروش می‌رسانند. به جنگ زندگان موتورسیکلت جایزه می‌دهند. ... این اعترافات بنوی نشان دهنده روشهای است که سران جمهوری اسلامی برای بالانگه داشتن روحیه "زمندگان اسلام" بکار می‌گیرند: "یک تا سه سلبند لایمی آید که ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه ازهمه

علی الحساب سال ۶۴ کارمندی پیکان نیروهای مسلح که درجبهه‌ها هستند (بفرستند) روحیه‌شان را تضعیف می‌شود، اگر آنها را تحویل ندهیم" (کیهان ۶ بهمن ۶۴)

درکنار توسل رژیم به شیوه‌های کثیف تطمیع برای برگردن جبهه‌ها، دستگاه سرکوب رژیم به شدت فعال است. مردمی را درجبهه‌ها تیرباران می‌کنند و به قتل می‌رسانند. ما موران مسلح رژیم در شهرها و روستاهای کشور، دسته دسته جوانان را شکار می‌کنند و به جبهه‌ها می‌فرستند. انواع فشارها از لفسو همیه کوبن تا محرومیت‌های گوناگون اجتماعی را برای کشتار نندن مردم به جبهه‌ها بکار می‌گیرند و از طریق سرکوب و زندان و کشتار می‌کوشند تا معترضین اعتراضات مردم علیه جنگ شوند. خمینی جلا در یکی از آخرین دستوراتش گفت: "کسی که اشکال به جنگ دارد، او جاسوس است بزرگ است که بروی جنگ علیه رج رژیم موج مخالفت با جنگ مردم بیشتر گسترش می‌یابد. اعتراض به جنگ و کشتار چنان ابعاد بی‌نهایتی دارد که دیگر حکومتگران قادر به برده پوشی آن نیستند. خمینی در سخنرانی خود در فروردین به این اعتراضات روبرو گسترش اعتراف کرده و بسا خسوف و نرفت به مخالفین جنگ حمله نمود. او در پیام به کسانی که مخالفت مردم با جنگ را منعکس می‌کنند، فریاد کشید که: "این بین مردم از کجا آمدند که با جنگ مخالفتند؟"

شاه نیز زمانی که می‌خواست مبارزات مردم را انگار کند، می‌گفت: "اینها ملت ایران نیستند، مثنی خود فروخته‌اند که از تو مرز آمده‌اند. ملت ایران هانهایی هستند که به نفع قانون اساسی تظا هرات می‌کنند" تاریخ گاهی به شکل عجیبی تکرار می‌شود. خلیفه‌ها را نیز امروز مثل سلطان نیابوران نمی‌دانند که این مردم از کجا آمده‌اند. سلطان نیابوران وقتی دید که همین مردم روزی به رادراستانه‌ها بودی قرار داده اند، فریبکارانه حرف خود را پس گرفت و خطاب به مردم اعلام کرد: "صدای انقلاب شما را شنیدیم". اما مردم مدتها بود که دیگری خواستند و او را بشنوند، بدون شک خمینی نیز مثل شاه مجبور خواهد شد صدای انقلاب مردم را بشنود و طعم گسستن و درهم شکستن رژیمش را که جز خونریزی و ویرانی ارغانی نداشت، بچشد.

به یاد فدائیان قهرمان ... بقیه از صفحه اول

قرارداد در ساختن رهبری تشکیلات سازمان در مقاط مختلف کشورتشی برجسته داشت و با پشتکار که از ویژگی‌های قابل تاکید شخصیتش بود. مشکلات و پیچیدگی‌های سازمان را بر داشت. در شرایط دشوار پس از یورش بربرمنشانه سران جمهوری اسلامی به کمونیست‌های ایران، از زمره کسانی است که مسئولیت‌های بیشتری را در هدايت تشکیلات سازمان برعهده داشت. رفیق مؤذنی پور سرانجام پس از یک سال پیگرد، بدست جلاخان خمینی افتاد و ددمشانه شهید شد و جان پاک برسر پیمان نهاد.

رفیق مؤذنی پور انسانی بزرگ بود، آرامش و فروتنی، صمیمیت و مهربانی، صبوری و صداقتی که در جودش داشت همه انگاسی از روح یک انسان والابود. همیشه این قدرت را داشت که با کسانی که نظراتی شیارا اوداشتند، روابطی صمیمانه داشته باشد چرا که ارزش آدم‌ها را می‌شناخت و برای پیروزی هر آنچه که انسانی است، بزرگترین تا ملی از خود می‌گذشت. نیروهای تحت مسئولیتش راه‌دایت می‌کرد که وسیع ترین ارتباط را با توده‌ها برقرار کند و زندگی خود را در ارتباط با مردم برای آنها آموزش عملی بود.

تحمل شهادت همزمان و برکردن جای خالی آنها، همیشه دشوار است. ولی، مبارزان انقلابی می‌توانند سرمشق یا ران شهید را الهام بخش کار انقلابی خود قرار دهند و بدینگونه آنان را در رزم جانانه خویش و در برتن سازمان پیکار خود همسوار زنده نگه‌دارند.

در برابر خرافه تا بناتک و جاودان رفیق شهیدمان، سر تعظیم فرود می‌آوریم و پیمان خود را برای پیروزی آرمانی که او زندگیش را بر سر آن گذاشت، تجدید می‌کنیم.

در جهت دیگری منحرف گردد. سازمان ما ضمن محکوم کردن اقدامات رژیم خمینی و محافل امپریالیستی و استکباری فرانسه علیه ما و همین، فشارهای اخیر بر ما را سازمان را اساسا فاش‌را بی امپریالیستی و ارتجاعی می‌داند که سمت آنها جلوگیری از فعالیت نیروهای مبارز و زور قبضه‌خواه ایران است. اما از کوشش‌های ما و همین برای مقابله با این فشارها و توطئه‌ها تا همین شرایط مناسب برای فعالیت خود قاطعانه حمایت می‌کنیم.

تلاشهای رژیم خمینی ... بقیه از صفحه اول

است. در پیدایش این دشواریها عوامل متعددی دخالت داشته‌اند. مقدم بر همه تلاشها و باج دهی‌های سران جمهوری اسلامی، که حاضرند منافع ملی ایران را قربانی پیشرفت نقشه‌های جنا پیکارانه خود علیه نیروهای مترقی ایران سازند، علت تشدید فشار بر ما همدین خلق است. رژیم ترور و سرکوب خمینی که از هیچ توطئه‌ای علیه نیروهای ترقی‌خواه ایران فریاد نمی‌کند، با خیابان‌نوازی خود برای "کنار آمدن" با محافل ارتجاعی و راست است. فرانسه از طریق دادن باج‌های کلان و سرمایه‌داری در میلیاردها شورت ملی ایران افزوده است. رژیم خمینی قبل از تحولات اخیر دولت فرانسه نیز به این تلاشها دست زد. و سه شرط را هم برای بهبود روابط خود با فرانسه مشخص کرده عبارتند از: ۱- حل مساله یک میلیارد دلار وام ایران به فرانسه، ۲- قطع حمایت و فروش سلاح به صدام و عراق و نیروهای مخالف رژیم از فرانسه. ۳- چندی قبل که مقامات فرانسوی به فکر ترمیم روابط خود با فرانسه و جمع‌آوری اسلامی افتادند و یکی از بیلند با بیان دولت متران را راهی تهران کردند، سران رژیم خمینی همین سه شرط را پیش پای آنها گذاشتند. اخیرا که کا بینه دست راستی ژاک شیراک روی کار آمدند و مواضع نیروهای تزار دست و تنوفا شیت در پارلمان و کشور تقویت شد، تمایل دولت فرانسه به ترمیم روابط با تهران نیز تقویت شده و رژیم خمینی هم امکانات تازه‌ای برای حل "مسائل" خود با دولت فرانسه به دست آورده است.

محافل امپریالیستی و دست راستی فرانسه هم به علت آمیدی که به معامله با خمینی و به دست آوردن جای پای محکمتری در ایران و منطقه داشته و در اندیشه و علت خصومت با این نا پذیران با جنبش دموکراتیک و ملی ایران مدتها بود که تمایل به حل و اما دگی زیاده‌ای برای حل "اختلافات" با رژیم خمینی از خود نشان می‌دادند، روی کار آمدن کا بینه ژاک شیراک بر ما دگی این محافل و کابینه آنان خواهد افزود.

البته محافل و وابسته‌ها اختلاط رگران فرانسوی فقط برای حل "پارهای اختلافات" با رژیم خمینی از خود آمادگی نشان داده‌اند نه برای حل "تمام اختلافات" بدین معنا که فرانسه آمادگی بدهد که نیروهای مترقی مخالف رژیم خمینی را تحت فشار قرار دهد و در مقابل جمهوری اسلامی نیز آمادگی پیدا کند که مساله یک میلیارد دلار و "مناسبات اقتصادی" با فرانسه را "به نحو مطلوب" حل کند و مناسبات دگوشور بهبود یابد. امپریالیسم

امپریالیسم آمریکا، جنگ افروزی و تجاوز

سیاست های جنگ افروزان و بی نهایت ارتجاعی امپریالیسم آمریکا در عرصه های گوناگون بین المللی و در داخل آمریکا در عرصه های گوناگون بین المللی و داخلی و نیز در عرصه های ملی بوجود آمده است. این سیاستها را می توان آشکارا در گسترش بی سابقه سلاح های هسته ای، تجاوزات شکار بیگانه کشورهای مترقی و انقلابی، ایجاد مناطق تشنگی، کمک و تربیت دستجات فدائیان انقلابی، توسل به تروریسم دولتی و همچنین ایجاد آلترونا تپوهای بوزوا - رفرمیستی در مقابل آلترونا تپوهای انقلابی - در برخی از کشورهای دست نشانده مشاهده کرد.

امپریالیسم آمریکا بمانند دژا رتجساع بین المللی به بزرگترین جناح پارتی در حق بشریت دست زده و بدیدترین سابقه تسلیحاتی را با هدف کسب برتری تحمیل می کند. دولت ریگان برای وارد آوردن "فره اول"، به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی به اقدامات دیوانه وار متوسل می شود. به مسدود کردن استقرار موشکهای میان برد آمریکا در تعدادی از کشورهای اروپای غربی برنا مه "جنگ ستارگان" در دستور قرار گرفته است. در سال گذشته سلاحهای ضدمحارهای بیستون بخش از برنا مه "فره اول" در آمریکا مورد آزمایش قرار گرفت. دولت ریگان استقرار سیستم ضدمحارهای راتاسال ۱۹۸۷ در برنا مه خود قرار داده است. به علاوه واشنگتن مدارهای سلاحهای غیر هسته ای را برای برپا کردن جنگ های مدار گذرانه در مناطق مختلف (نظیر گرانادا، نیکاراگوئه، السالوادور...) انباشت می کند.

با گسترش سابقه تسلیحاتی، اقدامات آمریکا هر چه بیشتر به سوی نظامی شدن سوق پیدا می کند. این امر به تعمیق بحرانهای ادواری آمریکا کمک می کند و موجب کاهش مداوم بودجه برنا مه های اجتماعی، کاهش قید خرید مردم و افزایش بیکاری می گردد. به گفته گس هال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، هم اکنون در آمریکا ۲۵ میلیون نفر بیکار و ۵ میلیون فاندسمن هستند. دولت ریگان سال به سال بر بودجه نظامی کشور می افزاید. "بودجه دفاع ملی" ۸۴٪ از ۲۵۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ - ۸۴ (۱۹۷۷ - ۸۳) ۲۵۱ میلیارد دلار (بیش از ۲۰ تریلیون دلار) در سال ۱۹۸۸ - ۱۹۸۹ یعنی به دو برابر و نیم افزایش خواهد یافت.

اختصاص بودجه های کلان برای هزینه های نظامی و گسترش بی سابقه تسلیحاتی توسط دولت ریگان، برای مجتمع های صنعتی - نظامی بوده ای کلان فراهم می آورد. هم اکنون انحصارات تولید کننده اسلحه، زئرانهای نظامی، ما موربیسی - دولت و ارگانهای ایدئولوژیک در مجتمع های صنعتی - نظامی در هم آمیخته اند و به جدی ترین مجریان و سازمان دهندگان ما ستوهای ما چرا جویا نشسته و تجاوزگران تبدیل شده اند. اتحاد دوشوما حیوان کارخانجات مرگ و ارگانهای نظامی و ادواری دولت آمریکا، تکلیف گاه افراطی ترین نیروهای ارتجاعی و منیع دائمی و فزاینده خطر جنگ است.

دولت ریگان به عنوان نماینده ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم آمریکا، همچنان در مقابل تسلیحاتی بی مثوانه اتحاد شوروی و پیششاه باسل سازنده آن ایستادگی کرده و بر بی طرفی جنگ می گوید. با وجود ملاقات سران دو کشور در ژنو در سال گذشته دولت ریگان هیچ گام جدی برای مهار سابقه تسلیحاتی بر برداشته است. هم اکنون برنا مه "جنگ ستارگان" و سایر برنا مه های ریگان با وسعت هر چه بیشتر پیش می رود.

امپریالیسم آمریکا با ادعای تسلط بر جهان خود سرانه تمام قاره را با منافع "مناطق حیاتی" خویش اعلام داشته و به سیاست تجاوزگران و مداخله جویانه علیه خلق های تحت ستمی پرداخته. دولت ریگان از یک سو حکومت های مستبد و ضد مردمی نظیر حکومت السالوادور شیدا حمایت بعمل آورده و از سوی دیگر تلاش می کند حکومتها یا انقلابی را از میان بردارد. در این زمینه می توان از نمونه نیکاراگوئه و کوبا در آمریکا و لاتین و دولت افغانستان را در آسیا نام برد. ریگان با تسلیحاتی کلانی در اختیار برندهای فدائیان انقلابی نیکاراگوئه برای خرابکاری در داخل این کشور قرار می دهد. سازمان "سیا" برای پیشبرد موثر این سیاست استراتژی / دستجات خرابکاری را سر هم بندی کرده و گروه از آنها را در "اتحاد بوزو سیون نیکاراگوئه" گرد آورده است. در کاستاریکا و هندوراس هزاران نفر از مهاجران و نظامیان آمریکا فدائیان انقلابی را آموزش می دهند. بر طبق دستور کار سفیدر هندوراس ۲۷ بیکانه نظامی آمریکا ساخته شده است. به علاوه دولت ریگان به طور رسمی مناسبات اقتصادی با دولت

انقلابی نیکاراگوئه را تحریم کرده و به متحدین خود در اروپا فشار می آورد که از این سیاست پیروی نمانند.

واشنگتن در افغانستان نیز بیشتر از ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار برندهای خرابکاری رتجساع را در اختیار بی گناه گذاشته است. پاکستان که در خاک آن متجاوزان ۱۲۵ میلیارد دلار فدائیان افغانی وجود دارند به سرپرست تجاوز علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان تبدیل شده است. از خاک پاکستان یورش می آورند و به گشتا و خرابکاری می پردازند. در جنوب آفریقا نیز دولت ریگان به کمک رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از سازمان فدائیان انقلابی "اوشیتا" که به خرابکاری علیه دولت مترقی آنگولا عمل می کند، پشتیبانی کرده و به کمکهای مالی فراوانی می رساند. سرکرده این دسته خرابکار (راسومبی) در اوآخزان تویه برای دریافت میلیونها دلار کمک جدید و واشنگتن مساعدت کرد. دولت آمریکا همچنان از دستجات ضد موزا میبیک دولت مملی موزا میبیک (که همانند سازمان اوشیتا در خاک کشور خود بدزمرگ می افشاند، حمایت بعمل می آورد.

ریگان که خود سرکرده تروریست های بین المللی است، به بهانه مبارزه با تروریسم بین المللی به اقدامات تلافی جویانه علیه دولت های مترقی متوسل می شود. آمریکا کارزار گسترده را علیه دولت لیبی راه انداخته است. بمباران پایتخت لیبی و کشتار مردمی گناه آن، نمونه ای از اقدامات تبهکارانه دولت ریگان علیه مردم این کشور است. آمریکا هم اکنون در مدد پیشبرد همین سیاست در مورد دولت سوریه است.

دولت آمریکا با اتخاذ این سیاستها، بر کانونهای تشنج در مناطق مختلف می افزاید و بر سر تشنگی این کانونها در صدد آن است که حضور خود را در این مناطق گسترش دهد و بر نفوذ خود بیفزاید.

علیرغم حمایت امپریالیسم آمریکا از دولت های دست نشانده و مستبد، روند موزاکراتیزه شدن در آمریکا و لاتین و در تعدادی از دیگر کشورها پیش می رود. توده های مردم در مقابل دیکتاتورهای نظامی ایستاده و خواهان بهبود وضع زندگی مادی و استقرار دموکراسی در کشور هستند. خونهای نظامی بر اثر فشار مردم و جنبش های ضد دیکتاتوری و بحرانهای اقتصادی قادر به ادامه حکومت مستبدانه خود نیستند. در آفریقا، اوگوشه و برزیل، نظامیان مجبور شده اند حکومت را بدست غیر نظامیان بسپارند. در این کشورها دموکراسی پارلمانی جایگزین حکومت های نظامی شد. در سوآن و فیلیپین نیز بر اثر جنبش گسترده توده ای، دیکتاتورها کنار رفتند.

امپریالیسم آمریکا که در مقابل موج روبه گسترش جنبش توده ای قادر نیست، دیکتاتورهای دست نشانده خود را حفظ کند، می کوشد که از ادیکتاتوری شدن جنبش های ضد دیکتاتوری و شکل گیری آلترونا تپوهای انقلابی جلوگیری بعمل آورد و از این به پیدایش و تقویت آلترونا تپوهای بوزوا - رفرمیستی یاری می رساند. نمونه ای از این سیاست می توان در فیلیپین مشاهده کرد. در برخی موارد دولت ریگان به طور برنا مه ریزی شده در این کشورها (مثل کره جنوبی) آلترونا تپوهای مخفی را تشکیل می دهد تا در موقع آنها را به صحنه سیاسی سوق دهد. سیاست آمریکا در این کشورها بر این پایه متکی است که همچنان می کوشد امرهای مهم کابینت مثل رتش و ارگانهای امنیتی را در دست خود حفظ کند. انحصارات را از زرعش توده ها مومن نگه دارد و مناسبات اساسی را رتجا با این کشورها ادامه دهد. مقابل به سیاستهای خود افروزانها و تجاوزگران امپریالیسم آمریکا، اتحاد و وحدت عمل هر چه گسترده تر نیروهای ملح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم را می طلبد. جامعه سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی، دولت های مترقی و نیروهای انقلابی و ملح دوست با تمام قوا می کوشد که جنگ - افروزی امپریالیسم جهانی را زایل کند، تضمین های لازم برای استقرار ملح جهانی را بوجود آورد و امکان تجدید برای گسترش مبارزات خلق های تحت ستم فراهم سازد. مبارزه در راه این ما چا - وظیفه اساسی و تاخیرنا پذیر نیروی ترقی خواه و انقلابی در هر گوشه جهان است.

خسرو روزبه، پرچمدار مقاومت و ایثار

۲۱ اردیبهشت روز شهدا و خسرو روزبه، قهرمان کمونیست و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است. زندگی خسرو روزبه حما ساهای شورانگیز و الهامی دهنده است. او کمونیست و آلترونا تپوهای ایثارگر ثابته قدم، میهن پرستی پر شور و روزمنده ای ایثارگر بود که تا پای جان بر سر پیمان خود با حزب خویش و با مردم خویش ایستاد.

رفیق خسرو روزبه از سال ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد. او از زمره نخستین افسرانسی بود که به حزب توده ایران پیوست. او در دفاعات خود می گوید: "اگر عاشق و شقیفته سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و ادبیت خود بر تری اصول آنرا بر سر بر زمینها احسان کرده ام..."

بعد از کودتای شنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزبه در شرا پیک بسیار سخت نبرد خود را در سنگر حزب توده ایران ادامه داد. روزبه معتقد بود که با نشان دادن نمونه های عالی جانبازی می توان و با بسط به شکست روحی چیره شد.

در شرا پیک دشوار سالهای پس از کودتا روزبه قهرمان لحظه ای از اندیشه دفاع مسلحانه در برابر برداشتن غافل نبود. همیشه سلاح ۴ ماهه شلیکی در جیب داشت. مرد روزی را سخت رسالت خطیر را بر عهده گرفت. در آن لحظه در کمر او، و نیز بر سر او، هر کمونیست ما در هر لحظه آماده بود که آتش و ارغان در تیر بنه، و خسود می گوید: "... خوب مردن هم مثل هر کار دیگری مستلزم بلد بودن است... انسانیکه به خاطر سر آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود شربت شهادت بنوشد، راه خوب مردن را بلد است."

روزبه در دوران فعالیت انقلابی اش چندین بار دستگیر و زندانی شده و در بازداشتگاهها با رفتارهای وحشیانه و شکنجه های بی سابقه روبرو شد. ولی در ۱۵ تیرماه ۱۳۴۶ بر اثر شجاعت خود در زندان پس از یک درگیری شدید مسلحانه و مقاومت قهرمانانه مجروح شد. با تمام زخمها در آمد.

روزبه ۹ ماه ستم زیر شکنجه های جسمی و روحی بود. در این مدت چون بولاد - مقامت نموده و همچنان به عهدش وفا دار ماند: "من به عقاید خودم پایبندم، نظرات سیاسی مرا مقدس می شمارم، به عهد و سوگند خود وفا دارم. به امضای من که در زیر انگشت حزب توده ایران کرده ام، احترام می گذارم و هرگز به خاطر طلب منافع یا دفع خطر پیمان خود را نمی شکم".

خسرو روزبه بیادنگاه شاه را به صحنه افسانهای تمامیت رژیم ضد مردمی بدل ساخت. به حق نیست اندیشه و آرمانهای والای کارگران و زحمتکشسان پای افشاد و محاکمه خود را به محاکمه رژیم تبدیل نمود.

روزبه هنوز زنده بود که قهرمان ضدبدسل شد و ادیکتاتوریانه جان باخت بر کوه ایمن قهرمانی افزوده گشت. سنت روزبه را همزمان او، کسانیهیون رفیق پرویز حکمت جویا برداشتند. رفیق حکمت جوکه ۲۴ خرداد ۱۳۵۳ پس از سال اسارت و زیر شکنجه های وحشیانه در زندان با اوک شاه شهید شد و ز جمله زندانیان بود که با مقاومت و شجاعت و روحیه روزمنده اش بدر مقام در برابر اشرافها و زندانان رژیم شاه می پراکند. دشمن هیچگاه نتوانست حتی برای لحظه ای روحیه شاداب و انقلابی رفیق حکمت جو را بزمرد سازد.

رفیق پرویز حکمت جو سال ۱۳۳۱ به صفوف حزب توده ایران وارد شد. و در سال ۱۳۳۱ به صفوف حزب توده ایران فعالیت می کرد. او بعد از کودتای خونین ۲۸ مرداد مجبور به مهاجرت گردید. ولی در سال ۱۳۴۳ برای ما موریت حزبی دوباره به میهن بازگشت و دیگری گذشت که دستگیر شد.

در بیادنگاه رژیم شاه رفیق حکمت جو به مرگ محکوم شد، ولی فشار افکار عمومی در ایران وجهان مانع اجزای حکم شد. اما رژیم کینه توز شاه که در آن زمان نتوانست بود، به خواست پلید خود عمل کند، با لاف در خرداد ۱۳۵۳ رفیق حکمت جو را بطرز وحشیانه ای زیر شکنجه های شدید به شهادت رسانید. رفیق حکمت جو در آخرین دفاعاتش گفت: "... عشق آتشین من به وطنم، به رفقایم، به دوستانم، تمام آنهاست که برای بره پروزی افراد شامتن در جنبش در تلاش می باشند، و عشقم به زحمتکشان میهنم و سراسر جهان، عشق و احترام به کسانی است که در راه ملج بین کینه منل به جهاد در خا نشاندند و این عشق بزرگ به سعادت مردم است که با صلح و صوفیان در مقام فنا می نشانده است". توده های روزمنده و همه کمونیستهای ایران سنت روزبه و حکمت جو را پاس می دارند و مردم ما در نبرد علیه دشمنان از این فرزندان دلیر و جانی خود الهام می گیرند.

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA

ایتریش

مسابکهای: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 02910701 - 850 DR. GERTRAUD ARTNER



کارگران در راه آزادی های سیاسی می بايست برآن تکیه کرد.

مبارزه قاطعانه برای انحلال انجمن های اسلامی و علیه مداخلات سرکوبگرانه و پلیسی ها دستا نی سپاه و کمیته ها در امور صنفی - سیاسی کارگران و کانالیزه کردن این مبارزه علیه مجموعه سیستم ارتجاعی و پلیسی حاکم مبارزه علیه رژیم مستبد خمینی است . کارگران در جریان مبارزات صنفی روزمره خود بطور مشخص و مکرر با اشکال مختلف تفهیش و اختناق مواجهند که با رزترین مظهر اعمال آن در محیط کار ، انجمن اسلامی است . انجمن اسلامی بمثابه ارگان جاسوسی ، خبرچینی و پهلوانده سازی علیه کارگران و مهمترین آن بعنوان ارگانی وابسته به رژیم و که وظیفه اصلی اش همدستی با ارگان های سرکوبگر از طریق مداخله و اختلال در امر صنفی ، صماعت از جمع ، تشکل ، اعتماد و هرگونه آزادی صنفی و سیاسی کارگران می باشد ، مورد نفرت است و کارگران است . انجمن های اسلامی بدلیل وابستگی و ارتباط شان با حزب جمهوری اسلامی ، وزارت اطلاعات ، دادستانی انقلاب و سپاه و کمیته ها ، در واقع موثرترین ارگان اختناق و فشار پلیسی رژیم در محیط های کار هستند . ادا ره خرات (بمثابه حربه مدیریت علیه کارگران) از برخی جهات نقشی مشابه انجمن اسلامی بازی کند اما انجمن اسلامی ، بخاطر کیفیت ارتباطی با ارگان های ذینفوذ حاکم ، از دیگر ارگان های ضد کارگری متمایز است . و اما انجمن اسلامی در عین حال پائین ترین رژیم ولایت فقیه در محیط های کارگری نیز هست . لذا باید در مرکز حملات سازمان یافته ، مستمرو کوبنده فعالین و پیشروان کارگری قرار گیرد .

مبارزه کارگران برای انحلال انجمن های اسلامی و خنثی کردن مداخلات ارگان های پلیسی و سرکوبگر در امر کارگری ضرورت عینی داشته و مبارزاتی است با خصیصه عمیقانه بوده ای . ماهیت ضد کارگری و فساد دموکراتیک انجمن اسلامی و ارگان های ذینفوسد حا می آن و نیز عین بودن سرشوندن آن با سرشوندن ولایت فقیه موجب می شود که مبارزات تسسوده ای کارگران برای انحلال آن و علیه ارگان های سرکوبگر حاکم جهت تامین آزادیها و حقوق دموکراتیک و سندیکیایی به سرعت و سهولت با مبارزه علیه استبداد رژیم خمینی گره بخورد .

کارگران پیشرو و آگاه با مبارزه علیه عینی و بیوندن منطقی میان مبارزه برای تامین آزادی های صنفی - سیاسی (حق تشکل ، حق اعتراض ، تحمسن اعتماد ، نظهرات و ...) و مبارزه برای تامین آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک عام را برای توده کارگران توضیح دهند . تلفیق مشخص این مبارزه در کارخانجات عبارت از بسیج توده کارگران در مبارزه علیه ارگان های پلیسی و سرکوبگر رژیم بویژه انجمن اسلامی ، نشان دادن بیوندن این ارگانها در سیستم استبدادی ولایت فقیه و کانالیزه کردن این مبارزه علیه رژیم خمینی بمثابه مسبب اصلی اختناق و آزادی کشی است .

سازماندهی هسته های مخفی کارگران برای تسریع در ایجاد تشکل های مستقل توده ای ، بسیج و سازماندهی مبارزه کارگران علیه اخراج ، بیکاری و جنگه بسیج و سازماندهی مبارزه کارگران علیه انجمن اسلامی و ارگان های پلیسی و سرکوبگر ، علیه اختناق و استبداد حاکم و کانالیزه کردن مجموعه این مبارزه در جهت سرنگونی رژیم جنگ افروز و مستبد خمینی و وظیفه مهم و میرم کارگران پیشرو و همه فداییان خلق است .

☆ ☆

کارگران پیشرو!
"قانون شورا های اسلامی کار" حق ایجاد تشکل های صنفی مستقل را از کارگران سلب کرده و دست وزارت کار ، انجمن های اسلامی و مدیریت را برای هرگونه اختلال باز گذاشته است .
در شرایط سر با زحانه ای حاکم بر کارخانجات ، نخستین کام برای ایجاد تشکل های واقعی ، تشکیل هسته های مخفی کارگری است .
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

بحران اقتصادی رژیم در شرایط استبداد و جنگ بنحویس سابقه ای حدت یافته و منجر به توقیف پروژه های عمرانی ، تعطیل کارخانجات و اخراج گسترده کارگران شده است . کارگران نقش مخرب جنگ را در تشدید فشار کار و عدم افزایش دستمزد ، در تحمیل اضافه کاری اجباری و سرکوبگری به نفع جبهه ، در فشار برای اعزام به جبهه ها و اخراج های توده ای و گسترده به عینه می بینند و به اشکال مختلف علیه آن مبارزه می کنند .

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

از آنجا که حق کار و امنیت شغلی در مقایسه با دیگر عرصه های حقوق صنفی (از قبیل حق تشکل و دستمزد) ، ابتدایی ترین و بدیهی ترین حقوق صنفی محسوب می شود ، طبیعی است که کارگران در برابر برتا شرمخبر بحران و جنگ بر امنیت شغلی خود ، بیش از نقض دیگر حقوق و انکس نشان می دهند . مبارزه علیه اخراج و بیکاری چه در اواخر دوره شاه برای لغو ماده ۳۳ و چه در سالهای اخیر همواره از توده های ترین عرصه های مبارزات کارگران بوده است این مبارزه آیتک بیش از هر زمان دیگری گسترده و خاد شده است . در شرایط کنونی مبارزات

ضد جنگ کارگران عمیقاً با جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران ، بویژه با مبارزه علیه اخراج گره خورده است . این پیوند می تواند از یک طرف جنبش سیاسی ضد جنگ و ضد رژیم جنگ افروز خمینی را از پشتوانه حرکت متشکل توده ای برخوردار کند و از طرف دیگر به سیاسی کردن جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران کمک نماید .

توضیح رابطه میان جنگ و اخراج و بیکاری ، تطبیق مبارزه توده ای علیه اخراج و اعتراض علیه جنگ و کانالیزه کردن مجموعه این مبارزات علیه رژیم خمینی که مسبب همه آنهاست ، وظیفه ای است که باید کارگران پیشرو و آگاه در صورت وظایف خود قرار دهند . توده کارگران باید بدانند که بدون مبارزه برای قطع جنگ نمی توان سیل اخراج ها را متوقف کرد .

برای بسیج کارگران در راه آزادی مبارزه در راه تامین آزادیهای سیاسی دیگر عرصه اساسی مبارزه طبقه کارگر و دیگر قشر و طبقات خلق است . طبقه کارگر باید در راستای مبارزه با خطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تامین خواسته های اساسی خود ، امروز پرچم دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را بدست گیرد . گسترش و تقویت پیوند میان مبارزه کارگران در راه آزادی های سندیکیایی و حقوق دموکراتیک خود با مبارزه در راه آزادیهای سیاسی طبقه عمده است که برای بسیج

جنبش توده ای کارگری میهن ماکه خصمت اعتراضی و مطالباتی دارد ، فعلاً لترین و موثرترین بخش جنبش توده ای است . اما ضعف سیاسی و سازماندهی موجب شده است که طبقه کارگر از ایفای نقش شایسته خود در جنبش عمومی خلق بازمانده ،

مضمون جنبش اعتراضی و مطالباتی جاری کارگران هنوز عمدتاً اقتصادی است . این عامل ، دامنه اش را جنبش توده ای کارگری را در جنبش عمومی خلق محدود می کند . هنوز کم کاری فراگیرترین و عام ترین شکل مبارزه صنفی و توده ای کارگران است و اعتمادات علیرغم تعدد اهمیت شان هنوز ناقص است و نقشه لازم اند . بخش اعظم واحدهای تولیدی و خدماتی کشور از تشکل های صنفی مستقل و توده ای محرومند ، سندیکیاها و شورا های کارگری زیر فشار سرکوبگرانه رژیم منحل و یا تضعیف شده و بعضاً بطور محدود و مخفی فعالیت دارند . تشکل های صنفی کارگری عمدتاً بصورت تعاونیها ، هیات های نمایندگان و کمیسیون ها و کمیته های فرعی صنفی به فعالیت علنی و توده ای ادامه می دهند ، هسته های مخفی کارگری هنوز تشکل های صنفی مستقل و توده ای اند و در اغلب موارد هنوز شرایط اولیه تشکیل خود را می گذرانند ، یعنی در حد محافل کارگری قرار دارند . "شورا های اسلامی کار" نیز که بعنوان تشکل های رسمی و قانونی فعالیت صنفی کارگران مطرح شده ، هنوز مراحل انتخابی را طی می کند . علیرغم تضییقات پلیسی گوناگون انتخابات میزور به یکی از عرصه های جدی مبارزه کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل بسدل شده است . در شرایط کنونی ، بسیج توده کارگران در مبارزه برای ایجاد تشکل های صنفی مستقل در مرکز وظایف سازماندهی کارگران پیشرو و آگاه قرار دارد .

طبقه اصلی و مقدم در سازماندهی این مبارزه ، ایحاد هسته های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات صنفی مبارزه صنفی - سیاسی است .

بدیهی است که برای جنبش توده ای کارگری ، تجهیز سبزه سازماندهی مستقل صنفی ، کامی است به جلو . اما پیشروان کمونیست و کارگران مبارزو آگاه نمی توانند اهرم تشکل توده ای را بدون تلفیق وظایف آتی و آتی ، بدون آرایه دورنمای مبارزه طبقاتی و سیاسی کارگران و بدون برقراری پیوند میان مبارزه طبقه کارگر و جنبش عمومی خلق بدرستی بکار گیرند .

برای آنکه مبارزات طبقه کارگر در جنبش عمومی خلق هرچه بیشتر منشاء اشگر گردد ، باید جنبش کارگری از محدوده وظایف آتی و آتی ، بدون آرایه دورنمای رفته و سطح جنبش توده ای کارگری از نظر سیاسی ارتقا یابد ، فراگیرترین و مقدمترین عرصه ای که می تواند مبارزات کارگران را در مسیر سیاسی ضرورت قرار دهد و با مبارزه دیگر قشر و طبقات خلق پیوند دهد ، مبارزه قاطعانه و سازمان یافته برای صلح و آزادی و علیه رژیم است .

برای بسیج کارگران در راه صلح

چگونه می توان توده های وسیع کارگران را بطور متشکل علیه جنگ و رژیم جنگ افروز مستبد حاکم به حرکت در آورد ؟ موثرترین حلقه پیوند میان مبارزات صنفی روزمره کارگران و مبارزه عمومی خلق علیه جنگ در کجاست ؟ این حلقه را باید در نا شویرمخرب جنگ بر شرایط کار روزندگی کارگران

کارگران پیشرو!
قانون شورا های اسلامی کار و انتخابات فرمایشی آنرا افشا کنید .
نگذارید وزارت کار و انجمن اسلامی در انتخابات شوراها دخالت کنند .
کاندیداهای تحمیلی را افشا کنید . به نمایندگان واقعی خود رای دهید .
برای ایجاد تشکل صنفی مستقل ، علیه تحمیل "شورای اسلامی" مبارزه کنید .
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

افراشته باد پرچم رزم کارگران و رنجبران!

برگزاری سیزدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان

سیزدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان در تاریخ ۲ تا ۵ آوریل در صوفیه پایتخت جمهوری توده‌ای بلغارستان برگزار شد. از سوی کمیته مرکزی سازمان ما پیام تبریک بنا مکنگره ارسال شد.

در کنگره حزب کمونیست بلغارستان مسایل زیر مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- فعالیت بین المللی حزب و دولت
- ۲- پیشرفت اقتصادی - اجتماعی جمهوری توده‌ای بلغارستان
- ۳- اقتصاد جمهوری توده‌ای بلغارستان طی سالهای ۹۰ - ۱۹۸۶ تا سال ۲۰۰۰
- ۴- علوم، فرهنگ و آموزش
- ۵- پیشرفت مدیریت و دموکراسی سوسیالیستی - ارتقاء نقش رهبری حزب

رفیق تئودور ژوبوف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، طی سخنرانی مشروحی در باره اهمیت مسایل داخلی و خارجی گفت: در مرکز کنگره سیزده حزب کمونیست بلغارستان مسایل رشد کشور در ۱۵ سال آینده قرار دارد. مهمترین این مسایل از نقطه نظر زندگی داخلی کشور مسایل حاد نیروی ترقی همه جانبه سوسیالیستی، تنبیرات ریشه‌ای در اقتصاد دوسیاست، در فرهنگ و شیوه زندگی و همچنین در رهبری امور و خلاصه در تمام رشته‌های زندگی اجتماعی است. عملی کردن انقلاب علمی - فنی مهمترین زهرچیز است. لذا برای پایه‌گذاری برتری ساختمان جامعه سوسیالیستی، دموکراسی سوسیالیستی، و تامین هر چه بیشتر و گام‌ها برای مادی، اجتماعی و معنوی مردم در مسائل اساسی قرار دارد.

رفیق ژوبوف در مورد روابط بین المللی گفت: مهمترین مساله همانا حفظ صلح و زندگی و پیشرفت تمدن بشری است. مسابقه تسلیحاتی که هر چه بیشتر از طرف گروه‌های ارتجاعی امپریالیستی شتاب داده می‌شود. دروا خرقن بیستم شریعت را در برابر مساله بودن یا نبودن در آتش جنگ هسته‌ای قرار داده است. وی از طرف تمام کمیته‌های بلغارستان و تمام مردم کشور با دیدگر حمایت خود را از پیش نهاد جدید اتحاد شوروی که جو بگوی آزادی تمام مردم کره زمین است اعلام داشت و گفت: برای مساله کمونیست‌ها رفع خطر جامعه هسته‌ای و حفظ جهان بالاترین هدف است، این انعکاس است عقاید عمیق بشر دوستی ما و منسوبیت ایدئولوژیکی ما است.

همه چیز برای انسان زحمتکش

به مناسبت برگزاری کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی

"همه چیز برای انسان زحمتکش و برای رفاه او" کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی این عالی ترین آماج جامعه سوسیالیستی را در برابر برخورد قرار داد. کنگره تا مین نیازها و خواسته‌های مردم را به مثابه قانون فعالیت کلیه ارگان‌های مردمی، اقتصادی و سازمان‌های اجتماعی بشمار آورد.

ممن جدید برنام ما حزب کمونیست اتحاد شوروی که در بیست و هفتمین کنگره به تصویب رسید، وظایف آتی حزب را در این راستا تنظیم و مشخص کرد:

- بهبود مداوم شرایط زندگی و کار مردم شوروی.
- تحقق هر چه کامل تر عدالت اجتماعی در تمام قلمروهای اساسی مناسبات اجتماعی
- نزدیکتر کردن طبقات، گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی؛
- غلبه بر تمام یزهای با رزبین شهروند و کارچمی و فکری.
- تکامل مناسبات ملی، تحکیم دوستی‌ها را به تمام خلق و ملیت‌ها در کشور.
- در راستا د حزب گفته شده که توان تولیدی و معنوی کشور، نیازمندیهای تسریع رشد اقتصادی و اجتماعی حرکت است برای تامین رفاه کامل و تکامل آزاد و همه جانبه اعضای جامعه (لنین) را به انسان ضرور و امکان پذیر تبدیل کرده است.

در راستا کنگره گفته شده که حزب برای تشدید محتوی اخلاقی و جمعی کار، ارتقاء سطح فرهنگ مردم و حرکت به سوی گام کیفیت و شمریش، اهمیت خاص قابل است. حزب تلاش خواهد کرد که کار دستی بطور اساسی کارش را به یاد، کار یکپارچه و طاققت فرسای جسمی وانی کیفیت از بین رود. شرایط سال‌های حفظ سلامت و بهداشت و رفوع خطر از امراض ناشی از کار تا مین گردد. به گفته برنامه حزب، در آینده رشد معنی تولید و با لرفش زانمان کارهای گام‌ها جدیدی را برای کار روزگار و افزایش مدت مرخصی زحمتکش فراهم خواهد آورد.

در باره معویه کنگره گفته شد: "حزب در آینده"

هشتمین سالگرد انقلاب ثور

هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب خود را جشن گرفتند. انقلاب ثور افغانستان با تامین حاکمیت مردمی راه تا مین دموکراسی، استقلال همه جانبه و پیشرفت اجتماعی را به روی مردم با استقلال همه جانبه و پیشرفت عقب ماندگی قرون وسطایی بودند، گشود. انقلاب ثور علیرغم توطئه‌ها و جانیات بهیشمارا امپریالیستی و ارتجاع منطقه و غذا انقلاب داخلی همچنان پیش می رود و بر موانع غلبه می کند.

افغانستان انقلابی از همان روز نخست بسا کینه تیزی امپریالیسم و ارتجاع روبرو شد. آمریکا و دولت‌های ارتجاعی منظره بویژه رژیم ارتجاعی ضیاء الحق به دشمنی با انقلاب شور برخاستند. آمریکا امپریالیسم با انقلاب شورمانع غارتگرانه خود را چه در افغانستان و چه در منطقه سخت در خطر دیدند لذا توطئه‌های همه جانبه‌ای را علیه انقلاب تدارک دیدند. در طول عمر مبارز انقلاب، امپریالیسم آمریکا کمک‌های مالی عظیمی در حدود ۱/۵ میلیارد دلار به ندهای ضد انقلابی افغانی کرده است. اختصاص مبلغ ۴۷۰ میلیون

رفیق تئودور ژوبوف در باره مسایل داخلی و خارجی گفت: در مرکز کنگره سیزده حزب کمونیست بلغارستان مسایل رشد کشور در ۱۵ سال آینده قرار دارد. مهمترین این مسایل از نقطه نظر زندگی داخلی کشور مسایل حاد نیروی ترقی همه جانبه سوسیالیستی، تنبیرات ریشه‌ای در اقتصاد دوسیاست، در فرهنگ و شیوه زندگی و همچنین در رهبری امور و خلاصه در تمام رشته‌های زندگی اجتماعی است. عملی کردن انقلاب علمی - فنی مهمترین زهرچیز است. لذا برای پایه‌گذاری برتری ساختمان جامعه سوسیالیستی، دموکراسی سوسیالیستی، و تامین هر چه بیشتر و گام‌ها برای مادی، اجتماعی و معنوی مردم در مسائل اساسی قرار دارد.

کمیته مرکزی سازمان ما در پیام تبریک خود به کنگره سیزدهم حزب کمونیست بلغارستان تحکیم هر چه بیشتر روابط و پیوند های رفیقانه و انترناسیونالیستی بین سازمان ما و حزب کمونیست بلغارستان را گام بزرگی در تقویت مبارزه مردم مینامد و همه کمونیستهای ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع و برقراری صلح و دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم دانسته و انجام موفقیت آمیز پیروزی روزمانده کنگره سیزده را از صمیم قلب آرزو کرده است.

نیز برای با لرافتن در آمواد واقعی زحمتکش و ارتقاء بیشتر رفاه تمام اقشار و گروه‌های اجتماعی با توجه به امکانات اقتصادی کشور تلاش می کند.

سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی این است که با تقویت بنیادهای اقتصادی کشور، میزان حداقل دستمزد زحمتکش را بالا ببرد. حزب برای تامین نیازهای روز افزون مردم بر آرایه گالا هسای با کیفیت متنوع اصرار می ورزد.

در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی حل سریع و کامل مساله مخن در دستور قرار گرفته است. تا سال ۲۰۰۰ هر خانواده شوروی آرا همان و یا خانه جدا گانه خواهد داشت. در برنامه به تقویت سلامتی مردم شوروی و طولانی ساختن عمر آنها توجه جدی شده است. حزب برای تامین نیازهای مردم در هر شهر و ده در تمام عرصه‌های خدمات پزشکی و ارتقاء کیفیت آنها تلاش جدی می کند. برنامه جهت حفظ و تقویت سلامتی و رشد همه جانبه شخصیت مردم، برای تربیت بدنی و ورزش و ترویج آن در زندگی روزمره اهمیت جدی قابل شده است.

کنگره گفته شده که شوروی است مردم شوروی آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم را فرا گیرند. فرهنگ سیاسی خود را ارتقاء بخشند، در تدوین سیاستهای حزب شرکت کنند و فعالانه در تحقیق آنها بکوشند. کنگره بر ترویج اخلاق کمونیستی تأکید جدی داشت. اخلاق جمعی یکی بخاطر همه، همه بخاطر یکی. این اصل اساسی کمونیسم که با خود پرستی، خود خواهی و اغراض شخصی آشتی ناپذیر است، وسیعاً ترویج می شود. حزب به اخلاق بشر دوستانه، فعال و سازنده و برتر بیست روحیه وطن پرستی و انترناسیونالیستی توجه جدی میدول می‌دهد. در حزب می‌گوشد که احساس دوستی و برادری که ملیت‌ها و اقلیت‌های اتحاد شوروی را به هم پیوند می‌دهد، مشخصه انسان شوروی است. روند برگزاری کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی و سنا دمومی است که بطور بارز نشان داد که تنها سوسیالیسم است که خدمت به انسان و رفوع نیازهای مادی و معنوی آن را در کارش توجع خود قرار می دهد.

دلاری به ندهای ضد انقلابی تنها برای سال ۶۵ توسط دولت ریگان نقش خرابکارانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی افغانستان را بخوبی نشان می دهد. کمک‌های عظیم دولت آمریکا، ژنرال‌های مرچب پاکستانی و مملای تهران در اختیار افرا دی موسوم به "مجاهدان مسلمان" قرار می گیرند که در واقع اغلب راهزنان و دزدان و آدمکشان و قاچاقچیان تریاک و هرویین و مزدوران خوانین و فئودال‌ها هستند. این "مجاهدین" راهزنی بسیار خوانان احیاء رژیم سلطنتی هستند، با براری روی کار آوردن یک حکومت آمریکا بی "مجاهدت" می کنند و با اینکه می خواهند در افغانستان هم رژیم تبهکاری را زینت و جنس رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران برپا سازند که گوی سبقت را در پیشگیری و تبهکاری از همه برده است.

علیرغم همه مشکلات و مواردی که امپریالیسم و ارتجاع علیه انقلاب شوروی و افغانستان پدید می آورد، انقلاب افغانستان با ارتقاء به نیروی رزمنده زحمتکش و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشروی خود ادامه می‌دهد و در این راه از حمایت بیدریغ و بی شائبه دوستان جهانی انقلاب شوروی را همه آتش اتحاد شوروی برخوردار است. پشتبانی همه جانبه از انقلاب ثور و طبقه بزرگ انترناسیونالیستی، بویژه برای نیروهای انقلابی و ترقیخواه شورماست.

کنفرانس تکیو هم آوا با تجاوزگری ریگان

کنفرانس اقتصادی سران ۷ کشور عمده سرمایه داری آمریکا، ژاپن، آلمان فدرال، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و کانادا - نیمه اردیبهشت ماه در تکیو برگزار شد. این کنفرانس که اساساً برای هماهنگی و حل مسایل اقتصادی فیما بین کشورهای امپریالیستی، پایه گذاری شده همواره با کشاکشهای جدی اعضای آن برای حفظ منافع خود در مقابل سایرین همراه بوده است.

هم اکنون در مساله موازنه تجاری بین این کشورها به معنای بزرگ برای آنان در بدل شده است. تنها در سال گذشته، عزم تعادل تجاری آمریکا و ژاپن ۴۵ میلیارد دلار گذشته است. این رقم در رابطه با ژاپن و دیگر کشورهای اروپای غربی نیز به ۱۲ میلیارد دلار رسد.

در کنفرانس اخیر آمریکا موفق شد نقش خود را برای کشادن کنفرانس به مسایل سیاسی پیش ببرد. تا وقت نامهای که در اجلاس مذکور مورد محکوم کردن "تروویسم بین المللی" به امضا رسید. نشانه بارز تحمیل و اجرای سیاست دولت ریگان است که خود سرکرده تروویستیهای جهان است. دولت ریگان تشدید میلیتاریسم و تجاوزگری نظامی و توسل به اقدامات تروویستی علیه کشورها و نیروهای ترقیخواه را اساسی سیاست خود قرار داده است. تجاوز تروویستی آمریکا به لیبی که از جانب محافل بین المللی تقبیح گردید، به آشکار ترین وجهی این سیاست امپریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشت اما دولت ریگان با بشپرمی خواهان رسمیت بخشیدن و قانونی ساختن تروویسم دولتی و قلدرمنشی و نقیضاتش مقررات بین المللی از جمله کنفرانس آمریکا است. ججال مقابل به "تروویسم بین المللی" از جمله دستاویزهای است که برای پیشبرد همین سیاستهای آمریکا برآه انداخته شده است.

آنچه در کنفرانس سران ۷ کشور گذشت، البته همه هدافتی را که آمریکا در این رابطه داشت محقق ساخت. ریگان موفق به گرفتن تائیدیه کامل از همه سران کشورهای شرکت کننده در کنفرانس برای پشتیبانی از سیاستها و اقدامات خود در این زمینه نشد. تجاوز آمریکا علیه لیبی در قلعنا مه تائید نگردید و اقداماتی که برای مقابل به با اصطلاح "تروویسم بین المللی" در قلعنا مه گنجانده شد، تا مین کشنده هم قاعدریکی نبود، با این وجود همان حد تا بیدران کشورهای امپریالیستی باری لازم را به ریگان می کند.

کنفرانس تکیو تریبونی بود برای آمریکا که با تبلیغات علیه اتحاد شوروی به بهره‌پوشی سیاستهای لگام گسیخته خود جهت تشدید مسابقه تسلیحاتی و کشاندن آن به فضای کیهانی بپردازد. ریگان که از هم دستاویز برای توجیه تلاشهای خود فرود گذاشته است، این بار حاد به ناگوار و زهره گاه تکیو جزئیات را دستاویز تبلیغاتی می کند. تنها در کنفرانس ۷ کشور نیز در هم آوایی با وی به این بازی پیوستند. در حقیقت این تلاشهای ریگان که دیگر متحدانش را نیز به نسبتبهای مختلف بدبئال خود می کشد، گوشه‌ایست برای گریز از پاسخگویی به پیشینه‌های ریشه‌ای و وحشیانه اتحاد شوروی در باره قطعنامه آزما بیهوشی، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و محو سلاحهای هسته‌ای تا آخر این قرن



کمیته‌های ایمنی و حفاظت کار را تشکیل دهیم

در کمیته های فنی حفاظت و بهداشت کار.

طبق آیین نامه موجود، این کمیته‌ها از کارفرما یا نماینده او، مدیر فنی، مهندس یا متخصص حفاظت بهداشت کارگاه، یکی از کارکنان کارگاه و نماینده کارگران در شورای کارگاه تشکیل می‌شوند. روشن است که نماینده کارگران باید نماینده معرفی شده از جانب تشکل صنفی کارگران باشد. این تشکل‌ها نیز باید در ترکیب کمیته‌های فنی حفاظت کارگانه نمایندگان کارگران افزایش یابد. آیین نامه کنونی عقب مانده و مربوط به سال ۴۷ است و باید ضرورت‌های کنونی بهبود شرایط حفاظتی کار را منطبق شود. علاوه بر افزایش تعداد نمایندگان کارگران در ترکیب کمیته‌ها، باید منته‌الاحتیاطات این کمیته‌ها در برنام‌ریزی، نظارت و کنترل آیین نامه‌ها و مقررات مربوطه نیز از جمله نکات مهمی است که باید در تدوین آیین نامه جدید موردتوجه قرار گیرند. همچنین مشارکت نمایندگان کارگران (که باید مشارکت نمایندگان سازمان‌های صنفی سراسری کارگران کشور باشد) در شورای عالی حفاظت و تدوین مقررات و آیین نامه‌های اجرایی مربوطه یکی دیگر از اشکال مشارکت سازمان یافته کارگران است.

بر اساس آنچه گفته شد، فعالین کارگری وظایف جدی در این زمینه برعهده دارند:

- ۱- با پدیدنش مشارکت کارگران با اشکال به شکل های مستقل صنفی را در بهبود نسبی شرایط ایمنی کار توضیح داد و تبلیغ کرد.
- ۲- با پدیدنش دادگاه‌هایی از اشکال عمده ایمنی مشارکت، حضور فعالانه نمایندگان واقعی کارگران در کمیته‌های ایمنی کار را به منظور کنترل اجرائی مقررات ایمنی و بهداشت کار را در ریزش شرکت ایمنی نمایندگان در شورای عالی حفاظت جهت تدوین مقررات مذکور می‌باشد.
- ۳- با پدیدتوضیح دادگاه آیین نامه کنونی کمیته‌های ایمنی کار را پدیدجای خود را به آیین نامه و مقررات جدیدی بدهد که متضمن افزایش تعداد و نقش کارگران در ترکیب آن و نیز تقویت اختیارات کمیته‌هاست. توده کارگران را با پدیدر این راستا به مبارزه دعوت کنند.
- ۴- با پدیدر کمیته‌های موجود حفاظت فنی و بهداشت کار را، فعالانه حضور یافته و ضمن تلاش برای تقویت خلعت کارگری آنها، برای بازسازی و ایجاد کمیته‌های واقعی مبارزه کرد.
- ۵- در همه موارد باید عدل ریشه‌ای حوادث را برای کارگران توضیح داد. باید بدانند دادگاه‌ها توانایی رژیم در حل این معضل از خلعت استعمارگرانه و ارتجاعی آن ناشی می‌شود.

مجدداً بکار رفته و وسرکارگر می‌بوردردم له می‌شود وزیرکار در آخرین سمینار حفاظت و بهداشت کار مدعی شد که ضایعات عمدتاً مربوط به کارخانجات بخش خصوصی است، چون آنها بخاطر کسب سود بیشتر، موازین را رعایت نمی‌کنند. حال آنکه در واحدهای بزرگ دولتی نیز چنان مکان نیم فشار سازمان یافته‌ای برای افزایش تولید و اضافه کاری بر کارگران اعمال می‌شود که جای هیچگونه مقایسه عوامفریبانه‌ای را باقی نمی‌گذارد. مسئولین دولتی همچنین در توضیح و توجیه ضایعات حین کار به "سهل انگاری" کارگران و "عدم رعایت ضوابط ایمنی" از سوی آنها اشاره می‌کنند و از فقدان آموزش فنی سخن می‌گویند، بدون آنکه بگویند مسئولیت آموزش فنی و حرفه‌ای کارگران با کیست؟ آنها از "سهل انگاری و عدم رعایت" کارگران صحبت می‌کنند، بدون آنکه از شرایط فرسایش کار، تحمیلات سربازانه‌ای کارفرمایان در محیط کار، انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی کارگران و خشکی و فرسودگی جسمی و روحی ناشی از فشار کار و زندگی یک کلمه هم بگویند. شرایط کارچنان غیر انسانی است که کارگران با مشغله‌های فکری و روحی متعدد، با خشکی شدید جسمی و با خواب آلودگی ناشی از کار فرسایش‌ناپذیر دستگیر می‌شوند. این وضعیت غیر انسانی موجب می‌شود که کارگری که مشغول کاری حساس در پشت دستگاه است از تمرکز فکری و حواس لازم برخوردار نباشد. روشن است که حل ریشه‌های این معضل در گرو براندازی نظام سرمایه‌داری و ایجاد دوسویه‌ایسم برپایه آن نظام امکان پذیر است. با این حال مبارزه برای بهبود نسبی شرایط ایمنی کار را علاوه بر ضروری و مورد مطالبه توده کارگران است. امروز با زمانه مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و اعمال کنترل کارگری در اجرای تمام و تمام ضوابط مربوط به حفاظت و ایمنی کار از وظایف مبرم و اساسی کارگران پیشرو و آگاه است. بدون بسیج کارگران و تأمین مشارکت گسترده آنها در امر کنترل و نظارت بر اجرای مقررات حفاظت و بهداشت کار رحتی بهبود نسبی شرایط کار را امکان پذیر نخواهد شد. بدیهی است که بدون وجود سازمان‌های صنفی مستقل کارگری، چنین مشارکتی نیز متحقق نخواهد شد. در شرایط کنونی، گام نخست در این راه عبارت است از سازماندهی مشارکت کارگران

هر از چند گاهی پیرامون مسأله حفاظت و بهداشت کار، سمیناری از جانب وزارت کار برگزار می‌شود و هر بار ریزش مسأله ضایعات و سوانح حین کار و روشها و اقدامات فنی مقابله با آن با مطالب و کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد، اما همیشه ریشه‌های معضل بزرگ کارگران مسکوت گذاشته می‌شود. روشن است که هدف این سمینارها نه ریشه‌یابی علل این حوادث و چگونگی رفع آن، بلکه بیش از هر چیزی جلوگیری از زیان‌های اقتصادی سرمایه‌داران و دولت‌های آنهاست. ریشه‌های سوانح و ضایعات را قبل از هر چیز باید در مسأله سیاست استعمارگرانه حاکم بر جامعه و روابط کار جستجو کرد. استعمار و وفاداریت‌گام کمیته‌ها سرمایه‌داری موجب امتشاق شرایط طاقت فرسای کار و نقض فاحش ضوابط و استانداردهای ایمنی حفاظت و بهداشت کار است. میزان سوانح و ضایعات انسانی در کارگاه‌ها و کارخانجات با شدت کار رابطه مستقیم دارد. مطابق آمار خود رژیم که بسیار از واقعیت‌های کمتر است، تعداد سوانح و ضایعات حین کار تنها در سال ۶۲ آنهم فقط در واحدهای تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی بیشتر از ۱۴ هزار مورد بوده است که ۵۰۰ مورد آن به مرگ کارگران منجر شده است. در ماه‌های اخیر در اثر تشدید بحران اقتصادی رژیم، کاهش درآمد، فشار روزافزون سیاست جنگی بر اقتصاد کشور و گسترش موج اخراج و بیکاری، شدت کار بیش از هر زمان دیگر شده است. کنترل ایمنی کار در واحدهای تولیدی و صنعتی کشور بوسیله دولت ارتجاع بقدری تنزل یافته که کارفرمایان با خیال آسوده به از کار انداختن سیستم‌های حفاظتی و هشداردهنده ماشین آلات دستگیر می‌کنند تا بتوانند از این طریق آنگاه کار را افزایش داده، با زده‌های کار دستگاه را بالا ببرند. این ترغیب‌دهی‌ها در موارد متعددی موجب بروز سوانح دردناکی چون قطع عضو یا مرگ کارگران شده است. حادثه فاجعه زیرک خیرش در روزنامه‌های رژیم نیز در چشمتی زده‌ها نمونه‌ایست که هر روز در واحدهای مختلف صنعتی کشور می‌دهد. "سرکارگری در زیر دستگاه پرس له شد و منجر به مرگ او گشت... کارفرما جهت افزایش سرعت و رانندگی کار دستگاه پرس، سیستم حفاظتی اتوماتیک آنرا از کار انداخته بود. کارگری که بر روی این دستگاه کار می‌کرد بدینحال بروز نقص فنی و از کار افتادن پرس، سرش را به منظور رفع عیب زیر پرس می‌کند، در همین هنگام پرس

در شکنجه گاه

پس آنگاه، دیگری بار، زندانبان مرا فرا خواند
از آنگونه که شب‌فرا می خواند خورشید را
و مرگ او از می دهد زندگی را.

برآمدم!

از بیله دریده سلول

آنگونه که تا یسته آدمی است.

اودشنا می بر لب داشت و من سرودی

اوقایقی بی ثبات در توفانی که من بودم

و من مخره‌ای زخشنده

در ظلمتی که او بود.

من ستون و او تازیانه

و آوری می گفت و من نه.

دردها من آواز شهیدستان بود و در جانم مشعل عشق

در کاسه سروانگل برده خواهی.

ریشه‌ها من در توده فرودستان

و پای او در گندچاله فرادستان.

پس برگزیده ام تصویر خوشین ستمش را آفرید

و ستاره ناخنهای برانگشتانم خاموش شدند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در گنداب بی‌اسی خویش
میرزا آقا عسکری (مانی)

من برخاستم و او فرو ریخت
چونان لاشه‌ی لنگر

— "تسلیم شو تا زندگی را به تو رانی کنم!"
و من چنین سرودم

بی آنکه فرو افتاده باشد.

ا و سر فرود آورد

بی آنکه سر فرود آورد،

من فرو افتادم

به جستان رازی مقدس؟

آنکه سینه‌ام را با خنجرش می شکافت

آدمیزاده‌ی بودیا جا نوزادی

جزشله فروزنده‌ی در سینه‌ام

هیچ کسَم یا رنبود

در آن گشتا رگا

اردوگاه شکنجه برای زنان آزاده

"شورای عالی قضایی پیش نویس لایحه ای را تنظیم کرده است تا پس از تصویب، اینگونه افراد (یعنی "بندخوابان") به اردوگاه‌ها برای بازسازی و آموزش اعزام شوند. برخلاف آنچه به عهد خودشان است و دولت در این مورد هزینه‌ای را تحمل نخواهد کرد. از این پس با وجود این قانون ما تحمل نمی‌کنیم که عسده‌های افراد هوس باز برای تضعیف خانواده، مصالح جامعه را به بازی بگیرند." (هاشمی رفسنجانی نماز جمعه تهران) ۱۲ اردیبهشت

بر اساس تدبیر جدید حضرات علمی اعلام استوانه‌های اسلام، مردم ایران پس از چندی در کنار زندان‌های رسمی و غیررسمی، اردوگاه‌های جنگی - زدگان و اسرای جنگی، اردوگاه معتادین و غیره - اردوگاه‌های بزرگ دیگری را خواهند دید که رژیم برای "بازسازی و آموزش" زنانی می‌سازد که فرامین داروغه‌های آیت‌عظم و جماعت و اسیدوتیغ برادران و خواهران زولیده حزب اللهی‌پشتوانسته است آنها را خانه نشین کند. چنین است یکی از آخرین تصمیمات جناح پیکاران پوسیده مغزی که مدعیانند "الگوهای تازه انسانیت به بشریت تشنه عدالت در سراسر جهان" آرایه می‌کنند. (موسوی نضت وزیر ۱۲ مهر ۶۵). چنین است یکی از زندا بیری که آقایان برای "تحکیم خانواده و حفظ مصالح جامعه" اندیشیده‌اند.

اینگونه زندا بیری و ابداعات رژیم هر چند برای بشریت معاصر شگفت‌آور و پورنکرده است ولی مردم ما بخوبی با آنها آشنا شده‌اند. مشاهده است که خمینی و اصحابش از همان فردای جلوس بصره که خلافت و ارمغانی جز افزون‌دستم و دست بربرها برستم سرپا نه‌دار و وکشف و اختراع انواع و اقسام قوانین و تدابیر برای تشدیدستم بر زنان نداشتند. هاشمی رفسنجانی از زبان خود همدست‌ان سبزه اندیش چنین اعلام نمود می‌کنند گویا منظور از تاسیس این اردوگاه‌های کار با اعمال شاقه "مبارزه با هوسبازی و جلوگیری از تضعیف خانواده است" او فریاد کارانه و بی‌سیرمی فریاد برمی‌آورد که: "مسئله تحمل نمی‌کنیم که عده‌ای افراد هوس باز برای تضعیف خانواده، مصالح جامعه را به بازی بگیرند." نگاه به "کتاب معتبر"، رسالات، نماز و تشریفات این آقایان، نگاه به نحوه زندگی داروستانه فاسد حاکم و کارنامه سنگین حکومتشان نشان می‌دهد

که هرزگی و هوسبازی و ضدیت با تمدن و اخلاق معنوی از بزرگترین خصوصیات این زاهدین ربابی است. آنچه مورد دشمنی این مرتجعین است همانا تمدن و فرهنگ و اخلاق معنوی و آزاده است. بندگان غریبی یکی از ارکان مکتب این "مکتببون" است.

با بدپرستی قای رفسنجانی مگر شما با نیستید که معتقدید "هوسبازی و افساد حمله‌انگیز است" (ماهانامه پاسدار اسلام نشریه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - فروردین ۶۴) و "اشباع غریزه جنسی... بدیهه‌ها و اساس ضرورت اجتماعی... است" (همانجا) مگر شما نیستید که از قریب هوسبازی و بندگان غریبی را تا حد موش و خوک تنزل می‌دهید و می‌نویسید: "انسان و موش از نظر شدت غریزه جنسی بهم‌بسیار نزدیکند" (پاسدار اسلام صفحه ۴۱) و می‌گویید: "در خروس پختن خط است که از افاضات انبیاست و یکی از آنها جماع بسیار است" (احلیة المتقین)

آقای رفسنجانی آیا شما با نیستید که بر اساس این طرز تفکر و بنظر دلیلی تراشی برای توجیه این حیوانیت، زن رانه یک انسان بلکه بردگانه ناقص العقل و نیمه حیواناتی شور و شیطانی معرفی می‌کنید و می‌گویید: "زنان دام شیطانیست و همیشگی با اراد دل فرومایگان و گفت و شنود با زنان در دل مردان بسیارند" (اصول کالی) و "هر که اطاعت زشت کند (یعنی اگر زن برای رفتن به حمام یا عروسی اذن طلبید و مرد اجازه ندهد) خدا و راه جهنم اندازد"؟ (جمع المعارف و مخزن العوارف) آیا شما با نیستید که جز تسلیم در برابر هوس مرد و طفله‌ای دیگر برای زنان نمی‌شناسید و حکمی می‌کنید: "زنان نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون بروند یا بخود را برای هر لذتی که اومی‌خواهد تسلیم کند" (توضیح المسائل خمینی)

مگر شما با نیستید که می‌گویید: "آنچه باشد مطلوب شارع مقدس است، تعدد زوجات می‌باشد. شرط برای وحدت همسر ذکر شده و فرموده است اگر زوجه‌ای در یک عهده عدالت برقرار نشود، با یک زن اکتفا کنی و دیگری برای تعدد همسر شرفی ذکر نشده است...؟" (نشریه پاسدار اسلام) و "اصیغه (ترجیحا صیغه دختران ۹ ساله) را از بزرگت عالم اسلام... می‌داند" (علامه کاشف الغطاء)

مگر شما با نیستید که به این نیز قناعت نکرده و طرح تاسیس قاضیخانه‌های رسمی "شرعی" را می‌ریزید؟ آقایان مرتجعین "اخلاق" مسردم آگاه و آزاده همین ما خوب می‌دانند که جای واقعی شما حجاب این افکار و اعمال در اردوگاه‌ها هرگز گانه و هوسبازی است. بربرهای حاکم با این کارنامه سنگین شان، از "خانواده" سخن می‌گویند و برای "حفاظت" از آن اردوگاه‌های کار با اعمال

شاقه برای "بندخوابان" ترتیب می‌دهند. کسانی که زنان را به درجه حیوانات تنزل می‌دهند، هرگز نمی‌توانند از خانوادگی که کسی که کانون گرم و پر مهر بر اساس عشق و تینا زانسانیت سخن گویند. اینان دشمن زن و دشمن خانوادگی هستند. اینان با ترویج فحشاء و فساد و با افسانه چندمهری و صیغه با زنی، خانواده‌ها را به تلاشی می‌کشند.

برای دفاع از خانواده، برای دفاع از حرمت مادران و همسران، برای دفاع از شرافت و آزادی مردم کشورمان با بدزن و مرد بددفاع از زنان کشور فاحشه‌خانه‌های "شرعی" ایجاد کند و برای سرکوب زنانی که کفن سیاه جمهوری را تحمل نمی‌کنند، اردوگاه با اعمال شاقه بسازد. باید هر چه سریعتر مردم را از این نقشه‌ها آگاه و بیدار برای مقابله با آنها بسیج نماییم *

آفریقای جنوبی: ماجراجوییهای نومیدانه

دولت نژادپرست آفریقای جنوبی روز ۲۹ اردیبهشت به یک دولت ریگان و وبا زیرپا گذاشتن همه مقررات بین المللی به پایتخت‌های سکشور بوتسوانا، زمپیا بوه و زامبیا حمله کرد. وعده‌ای از مرد می‌گناه را کشته و زخمی کرد و در اینها برای بیار آورد. این شهکاری رژیم نژادپرست علیه دولت‌های همسایه زمانی صورت می‌گیرد که مردم آفریقای جنوبی یک بار چرخه علیه آنها خاسته‌اند. مسجوش جنبش توده‌ای آنچنان ابعاد بی‌پیدا کرده است که رژیم نژادپرست عملا فلج شده و نمی‌تواند موضع سابق را حفظ کند. با وجود کشتارهای وسیع گمبه‌پوشان رژیم، مردم همچنان در خفا با آنها در مقابل توپ و تانک می‌ایستند و برای برابری و آزادی را سر می‌دهند.

رژیم بوتسوانا که قادر به سرکوب جنبش توده‌ای و سازمانهای سیاسی آن نیست، با حمله به دفاع ترکتور ملی آفریقا در کشورهای همجوار تمسک انتقام جویی دارد. ولی این ماجراجویی‌ها رژیم نژادپرست را بیش از پیش در قاره آفریقا در سطح جهانی بی اعتبار و منزوی می‌سازد.

یورش رژیم بوتسوانا ترکتور ملی آفریقا با زت با گسترده در سطح جهان پیدا کرده است. دولت‌های مختلف و سازمانهای بین المللی از جمله سازمان وحدت آفریقا، این حمله را کینه نقش آشکار مقررات بین المللی است، شدیداً محکوم کردند.

این یورش‌های جنوسیی قادر نیست که رژیم جنایتکار آفریقا را تروستی را از سر نوشت محکوم نجات دهد.

انتخابات فرمایشی "شورا"ها و وظایف کارگران

رژیم خمینی با وجود آنکه توانست شکل‌های صنفی کارگری را منحل ویا تضعیف کند، اما نتوانست اعتماد کارگری و میا زرات کارگران را بصرای ایجاد دشکل‌های مستقل صنفی را فروشانند. رژیم که از خواست توده کارگران مبتنی بر ایجاد تحکیم دشکل‌های مستقل کارگری، آگاه است با تبسند قانون ارتجایی "شورا‌های اسلامی کار" را از تصویب گذرانده و اینک با تصویب آیین نامه ارتجایی شر و یکسری مقررات پلیسی تلاش می‌کنند که از انتخاب نمایندگان کارگران جلوگیری کنند، اکنون رژیم همه ارگانهای فدکا رگری و مکانات پلیسی خود را بکار گرفته است تا انتخابات فرمایشی شورا‌های اسلامی کار را به شیوه‌ای کاملاً عملی کند.

رژیم در هر سال از اینکه مبادا علیه همه شهیدان پلیسی اش، اینکار عمل را در انتخابات از دست بدهد، طی ماههای اخیر، هر روز چندگاه دستورالعمل‌های محرمانه و فرم‌های انتخاباتی جدیدی بصرای مدیریت و نچین‌های اسلامی و احدها می‌فرستد. در آیین نامه اجرایی شورا‌های اسلامی کار که اخیراً بصورت "اصلاح شده" رای گردید، آیین تغییر به چشم می‌خورد که: "در انتخابات نماینده‌های شورا احتیاجی به انتخاب هیات ناظر نیست. همان هیات تشخیص صلاحیت، انجام ما این وظیفه را نیز بعهده خود بگیرد." با این املایه، دست‌های تشخیص صلاحیت برای تقلب در انتخابات کاملاً باز گذاشته می‌شود.

چندی پیش در فرم‌هایی که با قید کلمه "محرمانه" به کارکنان شورا داده شد، سئوالات زیر مطرح شده است:

- ۱ - مشخصات، ۲ - معرفی ۲ نفر از معتمدین محل جهت نامیدگان نماینده‌ها، ۳ - معرفی ۲ نفر از افراد دمومن به انقلاب اسلامی که در ارگانهای انقلابی مشغول بکارند، ۴ - محل سکونت از ابتدای تولد،

۵ - آدرس محل کار از ۱۰ سال پیش تا کنون، ۶ - آدرس محل تحصیل و سال آن، ۷ - آیا تا کنون بدلیسل فعالیت سیاسی در قبل و یا بعد از انقلاب دستگیری و زندانی داشته‌اید؟ ۸ - درجه انجمن (گروه فرهنگی ادبی، سیاسی قبل و بعد از انقلاب فعالیت داشته‌اید؟ ۹ - معرفی شخصی که از طریق او بسبب شما می‌توان دسترس پیدا کرد. ۱۰ - آیا تا بحال در دستندگی اتحادیه و یا شوراهای کارگری در قبل و بعد از انقلاب بوده‌اید؟ ۱۱ - گروهی محل کار. این پرسشنامه پلیسی، بیم و هراس رژیم را از انتخاب شدن نمایندگان واقعی کارگران و گسترش جنبش کارگری بوضوح نشان می‌دهد. هدف رژیم از این تشخیص‌ها، شناسایی کاندیداهای مورد تایید کارگران، مرعوب کردن آنها از طریق استنتاج‌های پلیسی، جلوگیری از انتخاب شدن آنها و هموار کردن راه برای تحمیل کاندیداهای فرمایشی است. این منظور اسرحدی زاده وزیر کار در درگاه‌ها این است که زبیرا ل پسر مدیریت‌ها را بکیند و در پیشبرد کارها به آنها کمک بوجدید و برسد.

مدیرکل آوارها کار و امور اجتماعی اراک نیز در سخنرانی اش برای کارگران، ضوابط عضویت و محدوده وظایف شورای اسلامی را چنین برشمرد: "هدفه اعتنای شورا با بدمسلمان و پیرو ولایت فقیه باشد. همچنین نماینده‌شورا با بدبختی در عرصه تولید همکاری نماید. این کار در زمین، مشورتی است، نباید در کار مدیریت دخالت شود." اداره کار در پیشبرد این سیاست فدکا رگری خیلی با احتیاط و دست به‌عماز می‌رود. بطوریکه تا ۲۰ آذر ۶۴ در تهران فقط در ۸ واحد انتخاباتی شورا‌های اسلامی و عملی گرفتار تحقیقات پلیسی کافی برای شناسایی کاندیداهای داشته‌باشد. در کارخانه نورد و قطعات فولادی، کاندیداتوری ۷ نفر از ۲۰ کاندیدای شورا توسط وزارت کار رد شد. علت "عدم صلاحیت" بخشی از آنها این بود که دارای سابقه مبارزه ستندگانی بودند و در مبارزات صنفی شرکت فعال می‌کردند. در کارخانه ایران با ساز همسه